

احداث جزایر مصنوعی امارات، آثار و تبعات آن بر حاکمیت منابع نفت و گاز ایران در خلیج فارس

امیر اسلامیه همدانی^{*}، علی نیک‌بخش شرفشاده، دانشگاه تهران

چکیده

در دهه‌های گذشته روند رو به رشد احداث جزایر مصنوعی در بسیاری از کشورها شدت گرفته است. نظام حقوق بین‌الملل نیز ساخت این جزایر را به رسمیت شناخته و هیچگونه ممنوعیتی در خصوص ساخت آن در حقوق بین‌الملل مشاهده نمی‌شود. کشورهای حوزه خلیج فارس به‌ویژه امارات نیز در سال‌های اخیر با سرمایه‌گذاری در این بخش، به دنبال ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس بوده‌اند. از این‌رو، نگرانی‌هایی در خصوص نحوه احداث این جزایر و آثار حقوقی ناشی از احداث این جزایر و به تبع آن روابط سیاسی موجود میان کشورهای این منطقه وجود دارد. لذا، بررسی وضعیت جزایر مصنوعی در حقوق بین‌الملل و نیز واکای تعهدات بین‌المللی امارات در حوزه حقوق دریاهای موضوع پژوهش حاضر است. این پژوهش به دنبال یافتن پاسخی برای این سوال است که آیا ساخت جزایر مصنوعی می‌تواند تاثیری بر حاکمیت و مالکیت مخازن نفت و گاز خلیج فارس برای این کشور داشته باشد. به نظر می‌رسد علیرغم اینکه ساخت این جزایر نمی‌تواند تاثیری در تغییر خط مبداء داشته باشند، اما نیاز است تا با موضع‌گیری مناسب توسط مسئولان کشورمان از ایجاد رویه در این زمینه جلوگیری شود تا بار دیگر شاهد مسئله‌ای مشابه آنچه در مورد جزایر سه‌گانه و ادعاهای بی‌پایه و اساسی که ایجاد شد، نباشیم.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال نویسنده: ۹۷/۰۹/۲۱

تاریخ ارسال به داور: ۹۷/۱۰/۰۵

تاریخ پذیرش داور: ۹۷/۱۱/۲۷

واژگان کلیدی:

حقوق دریاهای، جزایر مصنوعی، منابع نفت و گاز، امارات متحده عربی

مقدمه

دادند. انجام هفت پروژه عمده به نام‌های نخل جمیرا، نخل جبل‌علی، نخل دیره، جزیره العالم، جزیره سعادیات، جزیره واترفرانت و ساحل دریا از سوی امارات، بخشی از این پروژه‌های عظیم به‌شمار می‌رود. اقدامی که چالش‌ها و آسیب‌های بسیاری را متوجه خلیج فارس و کشورهای حاشیه‌نشین آن (از جمله ایران) کرده است.

اگرچه بخش زیادی از قواعد حقوق بین‌الملل در خصوص وضعیت جزایر مصنوعی در کنوانسیون حقوق دریاهای مصوب ۱۹۸۲ مندرج است، اما این کنوانسیون تعریفی از جزیره مصنوعی ارائه نکرده است و تنها با توسل به مفهوم مخالف جزیره در ماده (۱)۱۲۱ که آن را منطقه‌ای می‌داند که «به طور طبیعی شکل گرفته»، می‌توان دریافت که جزایر مصنوعی در حقوق بین‌الملل از وضعیت جزایر که بر اساس کنوانسیون حقوق دریاهای، کلیه جزایر و مناطق این وضعیت را دارا می‌باشند، برخوردار نیستند. زیرا این جزایر در نتیجه عوامل طبیعی به وجود نیامده‌اند بلکه ساخته دست انسان هستند.

این تأسیسات ساخته دست بشر می‌بایست از همه طرف توسط آب احاطه شده باشند و هنگام مد دریا (بالا آمدن آب) در بالاترین نقطه از آب قرار گرفته و قابل رؤیت باشند تا به‌عنوان جزایر و تأسیسات مصنوعی قلمداد شوند. همچنین برای مدت معین و در یک نقطه جغرافیایی به‌عنوان ایستگاهی برای فعالیت‌های دریایی به کار روند. جزایر مصنوعی در طول زمان کارکردهای متعدد و متنوعی داشته‌اند. امروزه استفاده از جزایر مصنوعی شیوه‌های رایج برای حفاظت از سرزمین و احیای آن به‌عنوان متداول‌ترین روش مقابله با افزایش سطح آب دریاهاست و ساخت جزایر مصنوعی بیشتر با هدف فراهم نمودن امکان سکونت انسانی

به گواهی تاریخ، پیشرفت‌های بشری حد و مرز نمی‌شناسد. میل به رشد و تکامل همواره با انسان همراه بوده و استفاده از ظرفیت‌های طبیعی برای نیل به این هدف، امری عادی برای انسان به‌شمار می‌رود. به دیگر سخن، استفاده از طبیعت مسیری بوده که انسان برای رشد در عرصه‌های گوناگون زندگی برگزیده است. از این‌رو، نمی‌توان منکر اهمیت محیط طبیعی بر توسعه جوامع انسانی باشیم. جنگل‌ها، دریاها، دریاچه‌ها و ... هر یک به نوعی در تأمین نیازهای انسانی و حرکت رو به رشد بشر نقش داشته‌اند. اما گاه زیاده‌خواهی‌های انسانی تا مرز نابودی طبیعت پیش رفته است. این موضوع به‌ویژه پس از شکل‌گیری دولت‌ها در عرصه بین‌المللی و رقابت بر سر توسعه صنعتی و اقتصادی، بیش از پیش نمایان گشته است.

در این میان، دریاها به دلیل نقش تاریخی خود در تأمین نیازهای غذایی انسان، تجارت دریایی، استفاده نظامی و در حال حاضر نیز به دلیل وجود ذخایر نفتی و گازی و جاذبه‌های طبیعی سواحل و جزایر برای گردشگری و جذب توریسم، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. با وجود چنین ظرفیت‌هایی، تلاش کشورها برای بهره‌گیری از منابع و محیط دریایی به آسانی قابل درک است.

اما با آغاز قرن بیستم و پیشرفت‌های تکنولوژیک، کشورها متوجه بُعد دیگری از ظرفیت‌های دریایی شدند. این بار هدف ایجاد مناطقی مصنوعی بر روی دریاها بود. بنابراین، بحث از ساخت جزایر و تأسیسات مصنوعی آغاز و مورد استقبال بسیاری از کشورها قرار گرفت. از جمله کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و به‌ویژه امارات متحده عربی که با سرمایه‌گذاری‌های عظیم، احداث این جزایر را در دستور کار خود قرار

* نویسنده‌ی عهده‌دار مکاتبات (eslamiyeh@ut.ac.ir)

می‌کند. کنوانسیون مونته‌گوبی، جزیره‌های مصنوعی، تأسیسات و ابنیه مختص بهره‌برداری از منابع اقتصادی را از دیگر تأسیسات مجزا می‌سازد. چنین تمایزی دارای برد عام نیست و تنها با توجه به صلاحیت‌های مختلفی توجیه می‌شود که دولت ساحلی در مورد فعالیت‌های متنوع منطقه انحصاری اقتصادی اعمال می‌کند. مشکلی که در حقوق عمومی با آن مواجه شده‌اند مربوط به مرجع رسیدگی دولتی صاحب صلاحیت در مورد این تأسیسات و نیز آزادی استقرار آنها در ارتباط با استفاده‌های مشروع دیگر از دریاست. ظاهراً مناسب آن است که سازه‌های شناور که با امور و مسائل کشتی‌ها ارتباط دارند، از سازه‌های ثابت متمایز شوند. [۱] تعریف کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ از جزایر که می‌گوید آنها باید «به‌طور طبیعی» به‌وجود آمده باشند موجب می‌شود که جزایر مصنوعی شامل آن تعریف نشوند، ولی در عمل تشخیص بین جزیره طبیعی و مصنوعی کار ساده‌ای نیست [۲] در کنوانسیون ۱۹۵۸، ژنو، تنها یک قاعده برای جزایر به‌چشم می‌خورد که ماده ۵ (۴) از کنوانسیون فلات قاره است. در این ماده آمده است که تأسیسات مرتبط با اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی فلات مزبور، که بر روی خود فلات قاره ایجاد شده‌اند، دارای دریای سرزمینی نیستند و تأثیری هم در تعیین حدود آن ندارند. کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها نیز در ماده ۱۱ بر این نکته صحنه می‌گذارد. به موجب ماده اخیرالذکر، تأسیسات دور از ساحل و جزایر مصنوعی به‌عنوان تأسیسات ثابت بندری محسوب نمی‌شوند و در نتیجه نمی‌توانند قسمتی از خط مبدأ باشند. همچنین مواد ۶۰ و ۸۰ این کنوانسیون مقرر می‌دارند که جزایر مصنوعی و تأسیسات ایجاد شده در منطقه انحصاری اقتصادی یا فلات قاره دارای دریای سرزمینی خاص خود نیستند و موجودیت آنها تأثیری در تعیین دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ندارد. [۳، صص ۶۹-۷۰]

این در حالی است که به‌تصریح بند ۲ ماده ۱۲۱ کنوانسیون مزبور، جزیره (منظور جزیره طبیعی است) به مانند سرزمین اصلی تمامی مناطق دریایی را داراست. به عبارتی در هر فاصله‌ای که از سرزمین اصلی قرار داشته باشد خط جزر آن، خط مبدأ دریای سرزمینی خواهد بود. اگر جزیره در فاصله ۱۲ مایلی از خط مبدأ سرزمین اصلی قرار داشته باشد، دو خط مبدأ به هم می‌پیوندند و خط جزر ساحل جزیره، خط مبدأ سرزمین خواهد شد. اگر جزیره در فاصله‌ای بیش از ۱۲ مایل نسبت به سرزمین اصلی قرار گیرد، اثری بر خط مبدأ سرزمین نمی‌گذارد و خط مبدأ و دریای سرزمینی خاص خود را خواهد داشت. [۴، ص ۶۷]

در تعریف جزیره مصنوعی می‌توان گفت: تأسیسات ساخته بشر است که پیرامون آن آب باشد، در حالت بالا آمدن آب دریا نیز دیده شود، در یک نقطه جغرافیایی و برای مدتی معین بر پا شده باشد و به عنوان ایستگاهی برای فعالیت‌های دریایی به کار رود. بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، جزیره مصنوعی نمی‌تواند معیاری برای تنظیم مرز دریایی کشورها شمرده شود؛ از این رو نمی‌تواند برای دولت‌های ذی‌نفع،

و تأسیس زیرساخت‌های شهری مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال تعدادی از فرودگاه‌ها در قاره آسیا بر روی این نوع از جزایر ساخته شده و در برابر حوادث طبیعی همچون طوفان و زلزله بسیار مقاوم هستند. بسیاری از کشورها به‌ویژه آنهایی که با کمبود زمین برای ساختمان سازی روبه‌رو هستند، علاقه چشمگیری به این پروژه‌های دریایی نشان می‌دهند. طرح ریزی و پیگیری چنین پروژه‌هایی کمابیش به چند دهه پیش بازمی‌گردد. نخستین شهر شناور دریایی در اوزاکای ژاپن در ۱۹۷۵ به نمایش گذاشته شد (سجادی، ۱۳۷۰ ص ۲۸). این پروژه که آکواپلیس نامیده شد، شامل چهارپایه زیرآبی بزرگ و شناور از جنس استیل بود که مساحت آن کمابیش یک هکتار و ارتفاع آن هزار متر در نظر گرفته شده بود. امروزه چنین جزایری را در اتریش (جزیره دانوب)، کانادا (جزیره نتردام در مونترال)، دانمارک (جزیره پیر)، هنگ کنگ و ... می‌بینیم.

با عنایت به کاربری متفاوت جزایر مصنوعی، می‌توان گفت وضعیت حقوقی هر یک از این جزایر متفاوت از دیگری است و شاید همین موضوع باعث شده تا تعریف مشخصی از جزیره مصنوعی در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها وجود نداشته باشد. از این رو، فقدان تعریفی از جزایر مصنوعی خود بر دشواری تعیین وضعیت حقوقی این جزایر افزوده است. البته باید اشاره کرد اگرچه کنوانسیون ۱۹۸۲ تعریفی از این جزایر ارائه نکرده است اما شامل قواعد متعددی است که می‌تواند بر این جزایر اعمال شود و توسط دولت‌های سازنده مورد استفاده قرار گیرد. واضح است که دولت‌های ساحلی واجد حق ساخت تأسیسات و جزایر مصنوعی در قلمرو دریایی خویش می‌باشند.

در حقوق بین‌الملل (قراردادی، عرفی و حتی آرای قضایی) ساخت جزایر مصنوعی منع نشده است، ولی در کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲ که بیشتر قواعد حقوقی مربوط به دریاها را در برمی‌گیرد، ساخت جزایر مصنوعی بیشتر برای کارهای پژوهشی و اکتشافی مدنظر بوده است. بنابراین، همه کشورها از حق احداث جزایر مصنوعی در مناطق دریایی برخوردارند و نمی‌توان ادعایی علیه هیچ کشوری به صرف احداث تأسیسات و جزایر مصنوعی مطرح نمود؛ مگر اینکه دولت سازنده به منافع مشترک سایر دولت‌ها لطمه زده یا به قوانین محیط زیست دریایی بی‌توجه باشد.

سوالی که پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخگویی به آن می‌باشد این است که آیا کشورها حق احداث جزایر مصنوعی دارند و یا خیر و در صورتی که این حق برای آنها موجود است، نحوه اعمال آن به چه صورت خواهد بود. در این راستا تلاش خواهد شد تا با مطالعه موردی جزایر مصنوعی امارات در خلیج فارس به این امر پرداخته شود.

۱- مفهوم و معنای جزیره مصنوعی

حقوق قراردادی تعریفی از سازه‌های مصنوعی به‌دست نمی‌دهد و تنها به چند توضیح مختصر درباره برخی عناصر رژیم حقوقی آنها اکتفا

حقوق و امتیازاتی در زمینه خط مبدأ، دریای سرزمینی، منطقه انحصاری - اقتصادی و ... ایجاد کند [۵]

۲- کارآیی و اهداف جزیره مصنوعی

جزایر مصنوعی و تأسیسات آنها ساخته دست انسان است و از هر جهت در محاصره آب بوده و هنگام جزر و مد بالا بوده و در یک مکان جغرافیایی خاص، برای زمان مشخص باقی می‌مانند و به‌عنوان ایستگاهی با کارکرد معمولی خود عمل می‌کنند.

به‌طور کلی، جزایر و تأسیسات مصنوعی را می‌توان بر اساس اهداف شکل‌گیری به چندین دسته تقسیم کرد. ۱ - جزایر مصنوعی مسکونی (شهرهای دریایی) ۲ - جزایر مصنوعی جهت توسعه و کاربری اقتصادی ۳ - تأسیسات مصنوعی جهت حمل و نقل و ارتباطات ۴ - تأسیسات مصنوعی جهت تحقیقات علمی و پیش‌بینی آب و هوا ۵ - جزایر مصنوعی تفریحی ۶ - تأسیسات نظامی [۶، ص ۱۳]

حتی برخی نویسندگان معتقدند گسترش چهارچوب‌های حقوقی حاکم بر جزایر مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای بقای دولت‌های جزیره‌ای که به واسطه تغییرات اقلیمی و افزایش سطح آب دریا در معرض غرق‌شدن هستند، قرار گیرد. به این ترتیب این امکان فراهم خواهد شد که پیش از آنکه رویه دولت‌ها به ایجاد وضعیت‌های دوفاکتو بیانجامد، به نقش بالقوه جزایر مصنوعی به‌عنوان حافظ و نگهبان حاکمیت دولت‌های در حال غرق پرداخته شود. [۱، ص ۱۰۷]

۳- حق ساخت جزیره مصنوعی در مناطق مختلف دریایی

از نظر حقوقی، دریاها را می‌توان به مناطق مختلفی تقسیم کرد که هر منطقه دارای رژیم حقوقی خاصی است. مناطق مزبور عبارتند از: آب‌های داخلی، آب‌های مجمع‌الجزایری، دریای سرزمینی، منطقه مجاور یا نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی، فلات قاره، دریای آزاد و منطقه اعماق دریاها.

۳-۱- آب‌های داخلی

به لحاظ حقوقی، آب‌های داخلی حداقل ساحل یک کشور و خط مبدأ دریای سرزمینی است. بنابراین، بنادر، اسکله‌ها، لنگرگاه‌ها، خلیج‌ها، تالاب‌های متصل به دریا و خورها یا مصب رودخانه‌های بزرگی که به دریا می‌ریزند و پشت خط مبدأ دریای سرزمینی قرار می‌گیرند، مشمول رژیم حقوقی آب‌های داخلی می‌باشند. با توجه به حاکمیت کامل دولت ساحلی بر این منطقه شکی در تجویز ساخت جزایر مصنوعی در این منطقه وجود ندارد.

۳-۲- آب‌های مجمع‌الجزایری

منطقه دریایی است که داخل خطوط مبدأ کشور مجمع‌الجزایری

قرار دارد. بنابراین، به کلیه آب‌هایی که در پشت خطوط مبدأ کشور مجمع‌الجزایری واقع می‌شوند، آب‌های مجمع‌الجزایری گفته می‌شود. در زمینه آب‌های مجمع‌الجزایری دولت ساحلی حق ساخت هرگونه تأسیساتی را خواهد داشت.

۳-۳- دریای سرزمینی

گاه حاکمیت و حقوق داخلی یک دولت علاوه بر قلمرو خشکی و آب‌های داخلی، به منطقه‌ای از دریا که در مجاورت آب‌های داخلی و بنا به مورد، آب‌های مجمع‌الجزایری قرار دارد، گسترش می‌یابد. این منطقه همان دریای سرزمینی است. دریای سرزمینی جزو قلمرو دولت بوده و لذا فضای مافوق آن و نیز بستر و زیر بستر آن تحت حاکمیت دولت ساحلی قرار دارد. اما به لحاظ اهمیت دریا از جهت ارتباطات دریایی، حاکمیت دولت ساحلی بر آب‌های سرزمینی یک حاکمیت مطلق نیست و دارای محدودیت‌هایی می‌باشد. دولت‌های ساحلی از این حق برخوردارند که در مناطق دریایی خود به ساخت جزایر مصنوعی مبادرت نمایند. البته حق ساخت جزایر مصنوعی در مناطق دریایی مختلف با مسئولیت‌های حقوقی متعددی همراه است.

در کنوانسیون ۱۹۸۲ و در بخش مربوط به قواعد دریای سرزمینی (برخلاف قواعد مربوط به منطقه انحصاری - اقتصادی، فلات قاره و دریای آزاد)، مقرره خاصی که به صراحت راجع به حق کشورها به‌ویژه کشورهای ساحلی در خصوص احداث جزایر مصنوعی صحبت کرده باشد، وجود ندارد. با وجود این موضوع، وضعیت حقوقی دریای سرزمینی و حاکمیت کشور ساحلی بر این منطقه از دریا که شامل حاکمیت بر فضای بالای دریای سرزمینی و نیز بستر و زیر بستر دریا می‌شود، به‌طور ضمنی از حق کشور ساحلی جهت احداث این گونه از جزایر حکایت دارد. [۷، ص ۱۸] البته باید گفت هرگاه ساخت این جزایر موجب اختلال در عبور بی‌ضرر کشتی‌های سایر کشورها باشد، این امر پذیرفتنی نخواهد بود. بند ۷ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق دریاها بر این موضوع تأکید دارد که جزایر مصنوعی، تأسیسات، بناها و مناطق ایمنی اطراف آنها در جاهایی که ممکن است با استفاده از آبراه‌های دریایی ضروری برای دریانوردی بین‌المللی تداخل نمایند، ایجاد نخواهند شد.

۳-۴- منطقه انحصاری اقتصادی

منطقه‌ای است به عرض ۲۰۰ مایل از خط مبدأ که دولت ساحلی در آن دارای حقوق انحصاری در مورد منابع طبیعی و سایر صلاحیت‌های مربوط است و دولت‌های ثالث دارای آزادی کشتیرانی، پرواز و کابل‌کشی و لوله‌گذاری هستند. سابقه تاریخی منطقه مزبور را می‌توان در رویه دولت‌ها در ایجاد منطقه انحصاری ماهی‌گیری در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم جست‌وجو کرد.

ساخت و استفاده از جزایر مصنوعی وفق مواد ۵۶ و ۶۰ کنوانسیون

حاکم بر این نوع جزایر و تأسیسات عیناً مواردی است که در ماده ۶۰ و در خصوص احداث جزایر مصنوعی و تأسیسات در منطقه انحصاری - اقتصادی مطرح شده است.

۳-۶- دریای آزاد

با عنایت به ماده ۸۶ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریایا، کلیه قسمت‌های دریا که جزء منطقه انحصاری اقتصادی، دریای سرزمینی یا آب‌های داخلی کشورها یا بخشی از آب‌های مجمع‌الجزایر کشورها یا مجمع‌الجزایری نباشد، دریای آزاد محسوب می‌شود. با توجه به مفاد کنوانسیون ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲، دریای آزاد به روی همه دولت‌ها باز است و هیچ دولتی نمی‌تواند ادعای مشروعی به منظور حاکمیت بر قسمتی از آن داشته باشد. مطابق ماده ۸۷ کنوانسیون ۱۹۸۲، آزادی هم برای کشورهای ساحلی و هم برای کشورهای محصور در خشکی شامل آزادی دریانوردی، آزادی پرواز بر بالای آن، آزادی نصب خطوط لوله و کابل‌های زیر دریایی، آزادی احداث تأسیسات و جزایر مصنوعی، آزادی ماهی‌گیری و آزادی تحقیقات علمی می‌شود. دولت‌ها می‌توانند حتی در آب‌های آزاد فراتر از منطقه انحصاری - اقتصادی به منظور انجام امور تحقیقاتی به ساخت تأسیسات مصنوعی اقدام کنند، ولی از تملک بخشی از دریای آزاد در مناطق دریایی برای خود منع شده‌اند.

اگرچه ساخت جزایر مصنوعی مطابق کنوانسیون ۱۹۸۲ ممنوع نیست، اما ساخت این جزایر بدون در نظر گرفتن حقوق و منافع سایر کشورها و پیامدهای زیست‌محیطی آن غیرممکن است. از این رو، دولت‌های سازنده متعهد به رعایت حقوق و منافع متقابل سایر کشورها می‌باشند. [۱۰، صص ۲۵-۲۶]

در مجموع، قواعد و محدودیت‌های خاصی در خصوص این نوع تأسیسات وجود دارد. مهمترین این قواعد عبارتند از:

الف - کشور ساحلی نباید به واسطه ساخت این جزایر، در عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی اختلال ایجاد کند.

ب - این جزایر نباید با خطوط اصلی کشتیرانی بین‌المللی تداخل داشته باشند.

ج - با توجه به عدم حاکمیت کشورها در دریای آزاد، باید میان جزایر ساخته شده برای بهره‌برداری از منابع طبیعی در این منطقه با انواع دیگر این جزایر تفاوت قائل شد. در مورد جزایر دسته اول، تأسیسات و قواعد مرتبط می‌بایست مطابق با مقررات کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریایا باشد. اما ساخت جزایر دسته دوم می‌بایست مطابق با اهداف صلح‌آمیز و دسترسی آزاد برای سایر کشورها مطابق با مقررات ملی و منطقه‌ای باشد. [۱۱، صص ۸۴-۸۷]

د- در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریایا نیز بر لزوم توجه به محیط زیست دریا در ساخت جزایر مصنوعی توجه ویژه‌ای شده است؛ به گونه‌ای که شرط لازم برای ساخت این جزایر عدم آسیب به محیط زیست و منابع

از جمله حقوق کشورهای ساحلی در منطقه انحصاری - اقتصادی به‌شمار می‌رود و کشورها صلاحیت وضع مقررات گمرکی، مالی، بهداشتی، مهاجرتی و ایمنی در خصوص این جزایر و ایجاد مناطق ایمنی در اطراف آن را دارند. در مقابل، بند ۲ ماده ۵۶، کشورهای ساحلی را ملزم داشته تا در اعمال حقوق خود و انجام تکالیفشان تحت کنوانسیون، به حقوق و تکالیف سایر کشورها توجه مقتضی داشته و مطابق با مقررات کنوانسیون رفتار کنند. بنابراین، ساخت جزایر مصنوعی در این منطقه، مستلزم رعایت حقوق سایر کشورها، علی‌الخصوص کشورهای همسایه خواهد بود. اما سوالی که در این زمینه به‌وجود خواهد آمد تعارض حقوق کشورهاست. چرا که از یک سو کشوری دارای حق احداث جزیره مصنوعی است و از سوی دیگر، این حق نباید موجب اضرار به سایر کشورها گردد. در این باره رأی دیوان داوری مالزی و سنگاپور تا حدودی راهگشاست. این موضوع، در رأی دیوان داوری حقوق دریایا در دعوای مالزی علیه سنگاپور نیز منعکس شده است. در این دعوا، مالزی مدعی بود که اقدامات سنگاپور در ساخت جزایر مصنوعی تبعات منفی زیست‌محیطی از جمله فرسایش فزاینده ساحل، رسوب‌گذاری و شوری آب را به همراه داشته است. با این اوصاف، دیوان در رأی خود تأکید کرد که دولت‌ها در زمینه ساخت جزایر مصنوعی باید آثار زیست‌محیطی کار را ارزیابی و به آگاهی کشورهای ذینفع برسانند و با دیگر کشورها برای نگهداشت محیط زیست دریا همکاری نمایند. دیوان همچنین تأکید کرد که وظیفه اساسی دولت سازنده جزیره این است که نگرانی‌های زیست‌محیطی دیگر دولت‌ها را از راه همکاری مورد توجه قرار دهد. همچنین از نظر دیوان، دوراندیشی ایجاب می‌کند که مکانیسم‌های ارزیابی خطر پیش از عملیاتی شدن پروژه، به کار گرفته شود. [۸، ص ۷۵]

۳-۵- فلات قاره

از نظرگاه حقوق بین‌الملل دریایا، فلات قاره شامل بستر و زیر بستر دریا، در ماورای دریای سرزمینی یک کشور ساحلی و در امتداد و دامنه طبیعی قلمرو خشکی این کشور تا لبه بیرونی حاشیه قاره یا در مواردی که لبه بیرونی حاشیه قاره تا این مسافت ادامه نیافته باشد، تا مسافت ۲۰۰ مایل دریایی از خطوط مبدأ دریای سرزمینی است. چنانچه لبه بیرونی حاشیه قاره از ۲۰۰ مایل تجاوز کند، در این صورت کشور ساحلی می‌تواند بر اساس معیارهای زمین‌شناسی، حد فلات قاره خود را تا ۳۵۰ مایل دریایی از خطوط مبدأ دریای سرزمینی تعیین کند [۹، ص ۲۰۰].

کشور ساحلی در محدوده ۲۰۰ مایلی، از حقوق حاکمه بر منابع طبیعی، ساخت تأسیسات و جزایر مصنوعی، ایجاد منطقه امنیست در اطراف تأسیسات مصنوعی به شعاع ۵۰۰ متر مربع و بهره‌برداری به شیوه حفر دالان‌های زیرزمینی در فلات قاره برخوردار است. البته باید گفت ماده ۸۰ کنوانسیون ۱۹۸۲، حق احداث جزایر مصنوعی، تأسیسات و بناها بر روی فلات قاره را به رسمیت شناخته است. مطابق ماده مذکور، قواعد

زنده و غیر زنده موجود در بستر و زیربستر دریاها ذکر شده است.

۴- خلیج فارس و ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات

امروزه نیازهای بشریت متنوع تر و ظریف تر شده و به طور فزاینده‌ای خارج از حوزه صلاحیت ملی یک دولت قابل تأمین است. علم و صنعت شکل جدیدی از وابستگی متقابل را سبب شده که پیش از این وجود نداشته است. وابستگی متقابلی که دولت‌ها را ناگزیر از همکاری در جهت منافع مشترک می‌کند، [۱۲، ص ۹۱]. ظهور مفاهیمی همچون «منافع مشترک جهانی»، «صلح و امنیت بین‌المللی»، «صیانت از کرامت انسانی»، «میراث مشترک بشریت» و «حفظ محیط زیست» حکایت از هماهنگی با روح واحد جهانی دارد که نظم حقوقی بین‌المللی جدیدی را طلب می‌کند [۱۳، ص ۱۱۷]. از این رو، ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس نیز در گرو همکاری کشورهای حوزه خلیج فارس با یکدیگر جهت نیل به منافع مشترک می‌باشد.

خلیج فارس به‌عنوان دریایی نیمه بسته در جنوب غربی آسیا و در حاشیه غربی اقیانوس هند، به طرف شمال غرب کشیده شده است. تنگه هرمز به شکل عدد ۸، دریای عمان را در شرق و خلیج فارس را در غرب به هم متصل کرده است. این دریای محصور در خشکی، به استثنای باریکه هرمز که از سمت شرق به اقیانوس هند و آب‌های آزاد راه می‌یابد، از طرف شمال به سواحل جنوبی ایران، از طرف جنوب به سواحل شبه جزیره عربستان و از طرف شمال غربی به جلگه‌های پست خوزستان و بین‌النهرین منتهی می‌شود. گستره جغرافیایی آن از ۴۸ تا ۵۶ درجه طول شرقی و ۲۳ تا ۳۰ درجه عرض شمالی با جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد یافته است، [۱۴، صص ۱۳-۱۴]. کمترین عرض خلیج فارس در جنوب شرقی تنگه هرمز بین ساحل اصلی ایران و عمان، از رأس قبر هندی در شمال شرقی شبه جزیره عمان تا مصب رودخانه‌ی گز در ساحل شرقی تنگه هرمز، حدود ۵۵ کیلومتر است [۱۴، ص ۱۴]. خلیج فارس بین ۲۳۰ تا ۲۴۰ هزار کیلومتر مربع وسعت دارد که حدود ۱/۲ وسعت دریای خزر است. حجم آب خلیج فارس حدود ۱۳ میلیارد متر مکعب برآورد شده است [۱۵، ص ۵۳].

وجود منابع نفتی و گازی را نیز باید بر موارد فوق افزود. برآوردها نشان می‌دهد خلیج فارس ۶۰ درصد ذخایر اثبات شده نفت و ۳۰ درصد تجارت جهانی نفت را در اختیار دارد و موتور محرکه اقتصاد جهانی در سه دهه گذشته بوده است. [۱۶، ص ۱۲۴].

نقشه جغرافیایی سیاسی خلیج فارس پیچیده است. دو کشوری که مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند از غرب به شرق در ساحل جنوبی به خلیج فارس عبارتند از: عراق کشور عربی با یک دریچه نامناسب به دریا که به سختی به ۵۰ کیلومتر می‌رسد و ایران، کشور مسلمان غیرعرب که تقریباً تمامی ساحل شمالی خلیج فارس را در بر گرفته و خطوط مبدأ مستقیم برای دریاهای سرزمینی خود که شامل تعدادی از جزایر ساحلی

است، برقرار کرده است [۱۷، ص ۲۲۱].

شش کشور حاشیه‌ای ساحل جنوبی خلیج فارس، که همگی عرب هستند و یک منطقه بی‌طرف (از غرب به شرق) عبارتند از: کویت واقع در جنوب عراق؛ منطقه بیطرف واقع بین کویت و عربستان سعودی شامل نجد، حجاز، اسیر، نجران، وال حصار؛ مجمع‌الجزایر بحرین، شامل جزایر بزرگ بحرین، ال‌محرق استیر، اما، ناسان و هوار با دیگر جزایر کوچک‌تر؛ شبه جزیره قطر با چند جزیره؛ امارات متحده عربی که از ابوظبی، دوبی، شارجه، ام‌القوان، راس‌الخیمه و فجیره تشکیل شده است و سرانجام عمان که شامل شبه جزیره عمان و مسقط است.

نفت نقش اساسی را در مسائل خلیج فارس ایفاء می‌کند، زیرا تمامی کشورهای ساحلی، تولیدکننده و صادرکننده نفت هستند. حوضه‌های نفتی از روی زمین تا بستر دریاها کشیده شده‌اند. تمام بسترهای خلیج فارس، از حوضه‌های نفتی سرشار است و یقیناً امتیازات نفتی واگذار شده در زیر دریاها، بیش از امتیازات واگذار شده در روی زمین هستند [۱۷، ص ۲۲۳]. پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی در سند چشم‌انداز انرژی جهانی تا سال ۲۰۲۰، حاکی از آن است که تولید روزانه نفت خلیج فارس از ۶۲/۷ میلیون بشکه در سال ۱۹۹۶ به رقم ۷۲/۲ میلیون بشکه در سال ۲۰۲۰ خواهد رسید. در فاصله بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۲۰ تولید جهانی نفت، خارج از حوزه خلیج فارس، از ۴۵/۵ میلیون بشکه به ۲۷ میلیون بشکه در روز کاهش خواهد یافت. در مقابل طی همین مدت، تولید روزانه نفت خلیج فارس از ۱۷/۲ میلیون بشکه به ۴۵/۲ میلیون بشکه بالغ خواهد شد؛ یعنی تولید نفت خلیج فارس با رشد ۱۶۲/۷ درصدی مواجه خواهد بود.^۱

اهمیت این منطقه از بُعد سیاسی، اقتصادی و تجاری، آن را به یکی از مهمترین قطب‌های استراتژیک و ژئوپلیتیک جهان تبدیل کرده است. بنابراین، واضح است که کشورهای حاشیه این خلیج از هر فرصتی برای بهره‌برداری بیشتر از آن سود جویند. اما بُعد دیگر ماجرا این است که برخی مناطق جهان به لحاظ اهمیت خاصی که برای امنیت جهانی دارند مورد توجه ویژه هستند و ایجاد ناامنی در آنها به سرعت به خارج از منطقه گسترش می‌یابد و چه بسا امنیت جهانی را با خطر مواجه سازد. آشکار است که درگیری و منازعه در این مناطق تفاوت بسیاری با مناطقی دارد که از اهمیت کمتری برخوردارند [۱۸، صص ۶۲-۶۳]. خلیج فارس نیز از جمله این مناطق است. با توجه به این ویژگی‌ها باید ادعا داشت که منطقه خلیج فارس به لحاظ استراتژیکی و ژئوپلیتیک از اهمیت بالایی برخوردار است.

اما در سال‌های اخیر، بحث ساخت جزایر مصنوعی توسط کشورهای حاشیه‌نشین به ویژه امارات، بحث‌برانگیزتر از سایر مباحث بوده و پیامدهای منطقه‌ای بسیاری به دنبال داشته است. احداث جزایر مصنوعی در خلیج فارس به صورت جدی توسط دولت امارات متحده عربی در سال‌های اخیر پیگیری شده است.

که به مشکل پیش گفته پایان داد. اگرچه مقامات امارات متحده عربی این توافق را نپذیرفتند و با هدایت و همراهی کشورهای تندرو عربی شکایتی علیه ایران به شورای امنیت تسلیم کردند؛ ولی شکایت آنان ثمری به دنبال نداشت.

ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس از ابعاد مختلف قابل بررسی و دارای اهمیت است. نخست از منظر امنیت انرژی؛ خلیج فارس یکی از مناطق غنی انرژی (نفت و گاز) در دنیاست. بسیاری از این منابع شناسایی شده و در میان کشورهای ساحلی تقسیم شده و بسیاری دیگر از این منابع همچون منابع گازی در مناطق پایین دست خلیج فارس و در نزدیکی تنگه هرمز به تدریج شناسایی شده است. این موضوع بر اساس تقسیم منابع میان کشورهای ساحلی، حضور سرمایه‌گذاران و شرکت‌های خارجی و بازیگران منطقه‌ای از اهمیت خاصی برخوردار است. دوم از منظر ژئوپلیتیک مرزها؛ اگرچه این جزایر تابع قواعد حقوق بین‌الملل بوده و فاقد مناطق دریایی هستند، اما آنچه اهمیت دارد حقوق و انتظاراتی است که ممکن است در آینده ایجاد شود، برای مثال، افزایش تعداد این جزایر در منطقه می‌تواند نشانه‌ای باشد در راستای ایجاد خط مبدأ که امکان آن از طریق اتصال بخش‌های مختلف این جزایر به هم فراهم می‌شود و بدین واسطه حقوق مرتبط با آن از طریق حاکمیت بر آب‌های محلی یا ایجاد منطقه انحصاری - اقتصادی برای بهره‌برداری انحصاری از ماهی‌گیری و غیره ایجاد خواهد شد. سوم از منظر مسائل زیست‌محیطی که می‌تواند به عنوان مهمترین تهدید در نظر گرفته شود؛ خلیج فارس دارای یک اکوسیستم بسته دریایی است. بنابراین دخالت در سیستم طبیعی آن محیط زیست منطقه را آسیب‌پذیرتر می‌سازد و تأثیرات مخرب آن به دلیل وابستگی متقابل محیط زیستی، حتی به سواحل ایران نیز خواهد رسید. ساخت این جزایر می‌تواند تأثیرات مخربی را بر منطقه داشته باشد که به موجب آن گونه‌های گیاهی و جانوری سطح و بستر دریا آسیب دیده و جریان‌های طبیعی آب و ورود و خروج آب‌های طبیعی به خلیج فارس مختل خواهد شد. علاوه بر این، آلودگی ناشی از حضور سکنه جزایر و فاضلاب شهری این جزایر مجلل، از دیگر تهدیدات زیست محیطی به‌شمار می‌آید. [۱۰، صص ۲۸-۲۹]

به باور برخی نویسندگان، افزایش سواحل امارات و تسلط بیش از پیش آن به آبراه‌های بین‌المللی و جزایر استراتژیک در خلیج فارس؛ ترغیب دیگر کشورهای عربی خلیج فارس در ساخت جزایر مصنوعی شبیه امارات؛ پیش‌بینی کاهش اقتدار جمهوری اسلامی در پهنه خلیج فارس؛ تبدیل موضوع جزایر ایرانی مورد اختلاف با امارات در خلیج فارس به موضوعی عربی و ایرانی؛ پشتیبانی قدرت‌های فرامنطقه‌ای از ساخت جزایر مصنوعی امارات؛ حضور دائمی کشورهای اروپایی در خرید و مالکیت جزایر مصنوعی امارات؛ زمینه حضور بیشتر قدرت‌های فرامنطقه‌ای در خلیج فارس، از جمله پیامدهای سیاسی و ژئوپلیتیکی ساخت این جزایر به‌شمار می‌آید. همچنین، افزایش درآمد اقتصادی امارات و رقابت با ایران

آقای العودی، دبیر کل سازمان منطقه‌ای رایپی، در زمینه اثرات زیانبار احداث جزایر مصنوعی معتقد است تخریب جزایر مرجانی و زیستگاه‌های طبیعی با هدف ایجاد تفریحگاه یک نوع دیوانگی است. اکثر کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان کشورهای صحرایی هستند، باید آب را به درون صحراها برد نه اینکه با ایجاد خشکی محیط زیست خلیج فارس را تخریب کرد [۱۹، ص ۳۴]. اگرچه اجرای هر یک از پروژه‌های جزایر مصنوعی از سوی کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی منفی به همراه داشته باشد، اما ساخت جزایر مصنوعی امارات به دلیل حجم گسترده پروژه‌های در حال اجرا از پیامدهای منفی بسیاری برخوردار است که می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. [۲۰]

۵- پیامدهای ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات در خلیج فارس

مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی نسبت به سایر مرزها در خلیج فارس از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. اولین ویژگی آن، دو قسمت بودن مرز در خلیج فارس و دریای عمان می‌باشد. ویژگی دوم عدم یکپارچگی سرزمینی و چند بخش بودن امارات تشکیل‌دهنده فدراسیون امارات متحده عربی است و بر اساس قانون اساسی موقت، هر اقدامی جهت تحدید حدود مرز دریایی باید به تأیید یکایک اعضاء این فدراسیون برسد. ویژگی سوم مرز دریایی ایران و امارات متحده عربی، تحدید بخشی از آن در دهه ۱۳۵۰ می‌باشد. ویژگی چهارم و مهم این مرز، وجود حوزه‌های نفت و گاز مشترک می‌باشد. بیشترین حوزه‌های نفتی کشف شده مشترک در خلیج فارس بین ایران و امارات متحده عربی قرار دارد. از آنجایی که براساس قوانین داخلی امارات متحده عربی هر امارت مالک اصلی منابع زیرزمینی واقع در آن امارت می‌باشد، بنابراین حوزه‌های مشترک را به نام حوزه مشترک ایران و امارت‌های مقابل می‌شناسیم. این میادین مشترک بین ایران و امارت‌های ابوظبی، شارجه، و دوبی واقع هستند که جزء منابع ارزشمند در خلیج فارس می‌باشند [۲۱، صص ۱۷۲-۱۷۳].

اما مهمترین دلیل عدم تعیین مرز دریایی دو کشور، مسئله جزایر بوده است. جزایر سه‌گانه به‌همراه سایر جزایر ایرانی در خلیج فارس در اواخر قرن نوزدهم به اشغال نیروهای انگلیسی در آمدند. اقدامات روسیه برای حضور در خلیج فارس یکی از عواملی بود که باعث گردید تا بریتانیا جهت جلوگیری از بسط و تقویت حضور روسیه، جزایر استراتژیک ایران در خلیج فارس را اشغال نماید. در اولین گام، جزایر قشم، هرمز و هنگام را اشغال کرد و در گام بعدی به طرفیت شیوخ عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس، در سال ۱۸۹۳ جزیره ابوموسی را به شارجه و جزایر تنب را به رأس‌الخیمه ملحق کرد. تلاش‌های سیاسی ایران از همان ابتدای اشغال شروع و تا سی‌ام نوامبر ۱۹۷۱ که حاکمیت ایران مجدداً بر این جزایر اعاده گردید، ادامه داشت. در این تاریخ توافق سه جانبه‌ای بین ایران، بریتانیا و امارت شارجه در خصوص جزیره ابوموسی امضاء گردید

خلیج فارس افزایش می‌یابد، استخراج منابع نفت و گاز؛ تلاش جهت تقویت وضعیت ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک امارات متحده عربی در خلیج فارس اشاره نمود. [۲، ص ۱۲۳]

البته در خصوص تأثیر این جزایر بر تعیین مرزهای دریایی امارات باید گفت جزایر مصنوعی امکان مالکیت و توانایی به دست آوردن شرایط حقوقی جزایر طبیعی را، حتی در زمان جزر و مد ندارند. این بدان معناست که این جزایر، نواحی دریایی متعلق به خود، همانند دریایی سرزمینی، منطقه نظارت و یا منطقه انحصاری اقتصادی را ندارند. به دلیل اختیاراتی که کنوانسیون ۱۹۸۲ به دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، از جمله ساخت جزایر مصنوعی داده است، آنها نیازمند کمربندهای امنیتی به اندازه ۵۰۰ متر هستند.

تنها ماده در مورد جزایر مصنوعی، در کنفرانس ژنو سال ۱۹۵۸، ماده ۵ (۴) کنوانسیون فلات قاره است که مشروط کرده، تأسیساتی که برای بهره‌برداری و اکتشاف منابع طبیعی فلات قاره و بر روی فلات قاره هستند، مشمول حالت و شرایط جزیره نمی‌شوند. آنها دریای سرزمینی خاص خود را ندارند و وجودشان برای تعیین حدود دریای سرزمینی کشورهای ساحلی، تأثیری ندارد. بنابراین، جزایر مصنوعی نمی‌توانند خط ساحلی یا خط مبدأیی برای اندازه‌گیری قلمروهای سرزمینی باشند. کنوانسیون حقوق دریاهای (سال ۱۹۸۲) از این نتیجه‌گیری و ماده (۵) حمایت می‌کند. ماده ۱۱ مشروط می‌دارد که تأسیسات دور از ساحل و جزایر مصنوعی، به عنوان تأسیسات بندری دائمی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. ماده ۶۰ (۸) و ۸۰ تأکید می‌کند که جزایر مصنوعی و تأسیساتی که در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی یا فلات قاره ساخته شده‌اند، فاقد دریای سرزمینی خاص خود بوده و وجود آنها هیچ تأثیری در تعیین حدود دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ندارد. اگرچه ساخت جزایر مصنوعی بر دریاهای آزاد، مورد توجه قرار گرفته است، اما این ممنوعیت، کشورها را در قرار دادن هر بخشی از دریاهای آزاد تحت حاکمیت خودشان (ماده ۸۹ کنوانسیون ۱۹۸۲) باز می‌دارد و از تأسیس و ایجاد هرگونه مناطق دریایی پیرامون جزایر مصنوعی، حتی بر روی دریاهای آزاد جلوگیری می‌کند. به دلیل اینکه در خلیج فارس هیچ منطقه یا بخشی از دریای آزاد در بیرون از منطقه انحصاری اقتصادی نداریم، بنابراین، مورد گفته شده با خلیج فارس ارتباطی ندارد. تنها کشور ساحلی اختیار ساخت جزایر مصنوعی را دارد. این نکته‌ای است که به صراحت در ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ آمده است. با وجود این، در مورد دریاهای آزاد، ماورای صلاحیت ملی، هر کشوری می‌تواند جزایر مصنوعی بسازد (ماده ۸۷).

در مجموع، بر اساس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاهای، جزایر مصنوعی به عنوان تأسیسات بندری محسوب نمی‌شوند (ماده ۱۱) و تحت صلاحیت نزدیک‌ترین کشورهای ساحلی هستند، مشروط به اینکه در درون محدوده ۲۰۰ مایلی طبیعی (۳۷۰ کیلومتر) قرار گرفته

در صادرات و واردات کالا در خلیج فارس؛ جذب سرمایه از سراسر نقاط دنیا و فرار سرمایه از ایران به این کشور، از جمله پیامدهای اقتصادی این موضوع خواهد بود [۷، ص ۲۲].

علاوه بر موارد فوق، امری که بسیار حائز اهمیت است و در طول قسمت‌های قبلی به صورت مختصر به آن اشاره شد، ادعاها و زیاده‌خواهی‌های احتمالی امارات در آینده نسبت به مرزهای دریایی و جزایر سه‌گانه ایرانی است. این موضوع با توجه به عدم تحدید مرزهای دریایی بین ایران و امارات متحده عربی حائز اهمیت است.

۶- ارزیابی اهداف امارات

پروژه‌های برنامه‌ریزی شده، هدفمند و موفق، امارات و دیگر کشورهای حاشیه خلیج فارس را به ساخت و توسعه اقامتگاه‌های گردشگری تشویق کرده است و آنها در اندیشه به‌دست آوردن سهمی از صنعت رو به رشد و شکوفای گردشگری هستند. امارت شرق دبی، یعنی شارجه، اعلام کرده است که با سرمایه‌گذاری ۴/۹ میلیارد دلار، مجمع‌الجزایر مصنوعی خود را با نام «نجوم» می‌سازد. مجمع الجزایر نجوم، از ۱۰ جزیره تشکیل شده است و حدود ۵/۶ میلیون متر مربع از شمال شرق ساحل، یعنی ۱۵ کیلومتر دورتر از مرکز شارجه را دربر می‌گیرد [۲، ص ۱۱۶] شرق دور، امارت رأس‌الخیمه برای ساخت جزایر مصنوعی خود برنامه‌ریزی کرده است. این امارت با صرف هزینه ۵۰۰ میلیون دلاری، برنامه ساخت جزایر (پریا یا ساریا) را با مساحت یک میلیون متر مربع در دست اقدام دارد از مهمترین پیامدهای سیاسی توسعه جزایر مصنوعی به وسیله کشور امارت در خلیج فارس می‌توان به توسعه‌طلبی ارضی به واسطه انتقال منطقه انحصاری ماهی‌گیری (۱۲ مایل) از کرانه‌های خشکی جنوب خلیج فارس به دورترین جزایر مصنوعی از سواحل امارات با هدف تهدید عمق استراتژیک ایران در خلیج فارس و همچنین تصرف گام به گام فلات قاره و بستر خلیج فارس برای نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر به جزایر سه‌گانه ایرانی و سواحل ایران بر مبنای طرح‌های توسعه‌طلبانه ارضی آینده [۱۰، ص ۲۹]

برخی کارشناسان نیز در خصوص اهداف سیاسی امارات از ساخت جزایر مصنوعی و پیامدهای سیاسی که ساخت جزایر برای این کشور به دنبال خواهد داشت، چنین اظهار نظر کرده‌اند: با توجه به ادعاهای بی‌اساس شیخ‌نشین ابوظبی در خصوص جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب وچک و ابوموسی) که از سوی دولت‌های عربی و غربی نیز حمایت می‌شود، هدف محروم ساختن ایران از منافع اساسی خویش در خلیج فارس و ممانعت از اعمال اقتدار ایران در خاورمیانه به شمار می‌آید. بنابراین، ساخت جزایر مصنوعی از سوی امارات می‌تواند پیامدهای سیاسی متعددی داشته باشد که با توجه به شناسایی شش نوع از این جزایر، می‌توان به امکان تبدیل این جزایر به پایگاه‌های نظامی و اطلاعاتی، تغییر در خط مبدأ سرزمینی در مواردی که سطح آب

از نواحی که آنها حق حاکمیت خود را مطابق با این کنوانسیون اعمال می‌کنند، گسترش نمی‌یابد». همچنین مطابق ماده ۲۳۵ کنوانسیون مذکور: «کشورها برای اجرای تعهدات بین‌المللی خود در مورد حمایت و حفاظت محیط زیست دریا مسئول هستند. مسئولیت آنها مطابق با حقوق بین‌الملل خواهد بود». بنابراین، عدم رعایت نکات زیست‌محیطی در ساخت جزایر مصنوعی که منجر به آلودگی خلیج فارس می‌شود، می‌تواند موجبات طرح مسئولیت امارات را مطابق با مقررات کنوانسیون فراهم آورد.

همچنین، دولت امارات می‌بایست به این نکته توجه داشته باشد که جزایر مصنوعی مطابق با مقررات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهای، وضعیت جزایر طبیعی را ندارند و به همین سبب فاقد مناطق دریایی همچون دریای سرزمینی، منطقه انحصاری - اقتصادی یا فلات قاره می‌باشند. در واقع، بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲، جزایر مصنوعی احداث شده در سواحل کشورها دارای حریم و مرز دریایی خاص خود نیست. بر این اساس امارات حق ندارد به دلیل ساخت جزایر مصنوعی مرزهای آبی خود را به سمت داخل خلیج فارس تغییر دهد.

اما علاوه بر حقوق قراردادی در عرصه بین‌الملل، می‌بایست میان تعهدات کشورها در قبال جامعه بین‌الملل در کل و تعهدات آنها در برابر یکدیگر قائل به تفکیک شد. این مطلب در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «بارسلونا تراکشن» تبلور یافته است. مطابق با رأی مزبور، دسته اول از تعهدات یاد شده از حیث ماهیت به کلیه کشورها مربوط می‌شود و نظر به اهمیتی که دارند «تعهدات عام‌الشمول» خوانده می‌شوند. [۲۲، ص ۱۹۳]. یکی از ویژگی‌های این دسته از تعهدات، تقسیم‌ناپذیری، ساختار غیر دوجانبه‌ای و عدم متقابل بودن آنهاست. نقض این قبیل تعهدات برای تمامی دولت‌ها در مواردی که تعهدات مربوط به حقوق بین‌الملل عام باشد و همچنین بر تمامی دولت‌های عضو معاهده‌ای که شامل آن تعهدات می‌شود، اثر می‌گذارد، [۱۳، صص ۱۰۳۹-۱۰۴۰]. اگر این تعهدات عام‌الشمول نقض شوند، منجر به یک حق عام برای اقامه دعوی می‌شوند. این حق عام مربوط به تمامی دولت‌های تابع آن تعهدات است. با الهام از این نظریه، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد در خصوص تدوین اصول کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای نخستین بار قائل به دو نوع رژیم حقوقی شد:

الف - مسئولیت‌های ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل که آثار آن تنها به رابطه میان دولت خاطی و صدمه‌دیده محدود می‌شود. در این صورت دولت محکوم به مسئولیت بین‌المللی متعهد به پرداخت و رفع خسارات وارده خواهد بود.

ب - مسئولیت‌های ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل که آثار آن جهانشمول می‌باشد؛ مانند کشتار دسته جمعی، نقض فاحش حقوق بشر، سیاست‌های نژادپرستی و ایجاد آلودگی‌های وسیع در دریا و فضا. [۲۳، ص ۱۷۷].

باشند (ماده ۵۶). جزایر مصنوعی، مانند جزایر محسوب نمی‌شوند که دارای قلمروهای دریایی خودشان یا مناطق انحصاری خودشان باشند [۵، صص ۲-۵]

اگرچه مطابق حقوق بین‌الملل، جزایر مصنوعی نمی‌توانند مبنایی برای تعیین حدود مرز باشند، اما با توجه به افزایش و پیشرفت ساحل به موجب ساخت جزایر، قدرت چانه‌زنی دولت امارات برای تعیین حدود مرزها افزایش خواهد یافت. باید توجه داشت که دولت امارات با بزرگ‌تر کردن سواحل خود و نزدیکی به جزایر سه‌گانه، به دنبال بین‌المللی کردن اختلافات خود با ایران است. اگر کشورهای عربی با ساخت جزایر مصنوعی وسعت سرزمین خود را افزایش دهند، به احتمال زیاد در سال‌های آینده امارات متحده عربی ادعاهای بیشتری خواهد داشت. اگرچه مطابق حقوق بین‌الملل، ساخت جزایر مصنوعی نمی‌تواند خطوط مبدأ مرزی را تغییر دهد، اما سؤالی که در آینده ممکن است پیش آید این است که خدشه به حقوق کشورهای همسایه و به‌ویژه ایران در خصوص انتظاراتی که ممکن است امارات در مورد خط مبدأ و منطقه انحصاری اقتصادی داشته باشد، چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ علاوه بر این، اقدام امارات متحده عربی در ساخت جزایر مصنوعی، می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای منطقه همچون قطر و بحرین باشد که ساخت این نوع جزایر را در خلیج فارس دنبال می‌کنند. این موضوع همچنین می‌تواند از سوی سایر کشورهای منطقه و حتی در دریای خزر پیگیری شود. در نتیجه، توسعه چنین سازه‌هایی توسط کشورهای دیگر، با توجه به مشکلات مرزی بین کشورهای منطقه، منابع عظیم انرژی و نیروهای خارجی، می‌تواند به معضل امنیتی در منطقه اضافه نماید [۲، ۱۱۹].

۷- تعهدات بین‌المللی و منطقه‌ای امارات در زمینه ساخت جزایر مصنوعی

اگرچه دولت امارات سال‌هاست که به دلایل مختلف از تصویب کنوانسیون حقوق دریاهای امتناع ورزیده است، لیکن با عنایت به مباحثی که عنوان شد، امکان نقض بسیاری از مقررات و قواعد مندرج در این کنوانسیون از جمله مسائل مربوط به حفاظت از محیط زیست دریایی برای این کشور فراهم نخواهد بود. علاوه بر این، ساخت جزایر مصنوعی از سوی این کشور نیازمند حفظ حقوق همسایگان و همکاری با این کشورها می‌باشد. بنابراین، صیانت از محیط زیست خلیج فارس، تضمین ایمنی دریانوردی و رعایت استانداردهای بین‌المللی در ساخت جزایر مصنوعی از حداقل مسئولیت‌های امارات وفق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای است.

به موجب بند ۲ ماده ۱۹۴ کنوانسیون ۱۹۸۲: «کشورها همه اقدامات لازم را به عمل خواهند آورد تا اطمینان حاصل کنند که فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آنها چنان انجام می‌شوند که موجب خسارت ناشی از آلودگی به کشورهای دیگر یا محیط زیست آنها نمی‌شوند و آلودگی ناشی از حوادث یا فعالیت‌های تحت صلاحیت یا کنترل آنها به خارج

و گسترش آبهای سرزمینی و پیش آوردن مرزهای آبی خود به سوی جزیره‌های ایرانی بویژه جزیره استراتژیک ابوموسی باشد؛ زیرا پس از ساخت این جزایر، چه بسا امارات در آینده، ادعای افزایش آبهای سرزمینی از آن سوی این جزایر (به عنوان خط مبدأ دریایی) را مطرح کند. این ادعا همچنین مایه پدید آمدن تنش در زمینه بهره برداری از منابع دریایی و کف دریا می شود که وضع آن هنوز میان دو کشور قطعی نشده است؛ نیز با اجرای این پروژه، فاصله امارات با جزیره ابوموسی یعنی دورترین جزیره ایرانی از خاک ایران، کمابیش ۱۰ کیلومتر کمتر خواهد شد. [۷، ص ۹].

بی گمان ساخت و برپا کردن چنین جزایری در خلیج فارس پیامدهای امنیتی نیز خواهد داشت. امارات عربی متحده با ساخت جزایر مصنوعی، در کرانه های خود در جنوب خلیج فارس را افزایش خواهد داد و این مایه افزایش دست اندازی آن بر خلیج فارس خواهد شد که می تواند بر کنترل و مدیریت ایران بر خلیج فارس سایه اندازد (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۸۸). گفتنی است که دولت آمریکا نیز از برنامه امارات در زمینه ساخت جزایر مصنوعی پشتیبانی کرده است. ژنرال اریک کمیت از فرماندهان نیروی مرکزی آمریکا در امور سیاسی، در گفت و گو با تلویزیون فرانسه گفته است واشنگتن از ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس حمایت می کند و ادعای شیوخ امارات در خصوص مالکیت بر جزایر سه گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک را تأیید می کند. [۷، صص ۱۶-۱۷].

برخی کارشناسان نیز در خصوص اهداف سیاسی امارات از ساخت جزایر مصنوعی و پیامدهای سیاسی که ساخت جزایر برای این کشور به دنبال خواهد داشت چنین اظهار نظر کرده اند: با توجه به ادعاهای بی اساس شیخ نشین ابوظبی در خصوص جزایر سه گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب وچک و ابوموسی) که از سوی دولت های عربی و غربی نیز حمایت می شود، هدف محروم ساختن ایران از منافع اساسی خویش در خلیج فارس و ممانعت از اعمال اقتدار ایران در خاورمیانه به شمار می آید. بنابراین، ساخت جزایر مصنوعی از سوی امارات می تواند پیامدهای سیاسی متعددی داشته باشد که با توجه به شناسایی شش نوع از این جزایر، می توان به امکان تبدیل این جزایر به پایگاه های نظامی و اطلاعاتی، تغییر در خط مبدأ سرزمینی در مواردی که سطح آب خلیج فارس افزایش می یابد، استخراج منابع نفت و گاز؛ تلاش جهت تقویت وضعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک امارات متحده عربی در خلیج فارس اشاره نمود. [۲، ص ۱۲۳]

از مهمترین پیامدهای سیاسی توسعه جزایر مصنوعی به وسیله کشور امارت در خلیج فارس می توان به توسعه طلبی ارضی به واسطه انتقال منطقه انحصاری ماهیگیری (۱۲ مایل) از کرانه های خشکی جنوب خلیج فارس به دورترین جزایر مصنوعی از سواحل امارات با هدف تهدید عمق استراتژیک ایران در خلیج فارس و همچنین تصرف گام به گام فلات قاره

در واقع باید اشاره کرد، اصل منع آلودگی شدید محیط زیست دریاها و ماورای جو از جمله قواعد آمره پذیرفته شده توسط جامعه بین المللی است و از این رو، اگر رفتار کشور امارات به گونه ای باشد که آسیب های جدی و جبران ناپذیری برای محیط زیست خلیج فارس همراه داشته باشد، منجر به مسئولیت این دولت خواهد شد. قاعده بنیادین مسئولیت دولت را می توان در حوزه حفاظت محیط زیست چنین خلاصه کرد: دولت ها مسئول خسارات ناشی از نقض یک قاعده، هنجار یا استاندارد بین المللی متداول، به محیط زیست دولت دیگر یا محیط زیست مناطق مشترک جهانی می باشند. مسئولیت دولت در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم تأیید شده است: «دولت ها ... مسئولیت دارند که اطمینان بدهند که اقدامات واقع در حوزه صلاحیت یا کنترل آنها به محیط زیست دولت های دیگر یا مناطق فراسوی حوزه صلاحیت ملی صدمه وارد نمی آورد».

از سوی دیگر از بُعد منطقه ای، «کنوانسیون منطقه ای کویت» برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی در ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ به تصویب رسید. این کنوانسیون کشورهای حوزه خلیج فارس و دریای عمان یعنی جمهوری اسلامی ایران، بحرین، عراق، قطر، عمان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی را متعهد می سازد تا کوشش های خود را برای حفاظت از محیط زیست دریایی مشترکشان بکار ببندند. در این کنوانسیون از کشورهای عضو خواسته شده که فعالیت های اقتصادی و اجتماعی خود را در سرزمین های خود طوری تنظیم کنند که موجبات آلودگی محیط زیست دریایی حوزه را فراهم نکنند.

همانطور که گفته شد دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت امارات متحده عربی هر دو از اعضای کنوانسیون مذکور و «سازمان منطقه ای حفاظت از محیط زیست دریایی (سازمان رایمی)» می باشند. این کنوانسیون ضمن اعلام این که منطقه خلیج فارس از مناطق ویژه محسوب می شود، تدابیری را برای حفظ اکوسیستم طبیعی منطقه از طریق انعقاد کنوانسیون مذکور و پروتکل های الحاقی و همچنین ایجاد سازمان رایمی اندیشیده است.

پنج منبع آلودگی مورد شناسایی کنوانسیون کویت قرار گرفته است: آلودگی ناشی از تردد کشتی ها، آلودگی ناشی از تخلیه مواد زائد از کشتی و هواپیما، آلودگی واقع در کشتی، آلودگی ناشی از اکتشاف و بهره برداری از منابع بستر و زیر بستر دریا و سرانجام آلودگی ناشی از سایر فعالیت های انسان. به نظر می رسد ساخت جزایر مصنوعی و آلودگی های ناشی از آن در این دسته بندی، در ردیف آلودگی های ناشی از سایر فعالیت های انسانی قرار گیرد

۸- تحلیل حقوقی اقدامات و عملکرد ایران و امارات

خشک شدن دریا در کرانه های جنوبی خلیج فارس به دست امارات، پدیده ای است که گذشته از تأثیر بر محیط زیست، می تواند در راستای ادعاهای احتمالی امارات در آینده مبنی بر احتساب خط مبدأ دریایی

بسازد (ماده ۸۷).

در مجموع، بر اساس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره حقوق دریاهای، جزایر مصنوعی به عنوان تأسیسات بندری محسوب نمی‌شوند (ماده ۱۱) و تحت صلاحیت نزدیکترین کشورهای ساحلی هستند، مشروط به اینکه در درون محدوده ۲۰۰ مایلی طبیعی (۳۷۰ کیلومتر) قرار گرفته باشند (ماده ۵۶). جزایر مصنوعی، مانند جزایر محسوب نمی‌شوند که دارای قلمروهای دریایی خودشان یا مناطق انحصاری خودشان باشند. [۵، صص ۲-۵]

اما در زمینه واکنش ایران به اقدامات امارات در خلیج فارس باید گفت که اگرچه مطابق حقوق بین‌الملل، جزایر مصنوعی نمی‌توانند مبنایی برای تعیین حدود مرز باشند، اما با توجه به افزایش و پیشرفت ساحل به موجب ساخت جزایر، قدرت چانه‌زنی دولت امارات برای تعیین حدود مرزها افزایش خواهد یافت. باید توجه داشت که دولت امارات با بزرگتر کردن سواحل خود و نزدیکی به جزایر سه‌گانه، به دنبال بین‌المللی کردن اختلافات خود با ایران است. اگر کشورهای عربی با ساخت جزایر مصنوعی وسعت سرزمین خود را افزایش دهند، به احتمال زیاد در سال‌های آینده امارات متحده عربی ادعاهای بیشتری خواهد داشت. همچنین اقدام امارات متحده عربی در ساخت جزایر مصنوعی، می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای منطقه همچون قطر و بحرین باشد که ساخت این نوع جزایر را در خلیج فارس دنبال می‌کنند. این موضوع همچنین می‌تواند از سوی سایر کشورهای منطقه و حتی در دریای خزر پیگیری شود. در نتیجه، توسعه چنین سازه‌هایی توسط کشورهای دیگر، با توجه به مشکلات مرزی بین کشورهای منطقه، منابع عظیم انرژی و نیروهای خارجی، می‌تواند به معضل امنیتی در منطقه اضافه نماید. [۲، صص ۱۱۹]

رئیس وقت فراکسیون محیط زیست مجلس در سال ۱۳۸۵ در اعتراض کتبی به آقای کوفی عنان (دبیر کل وقت سازمان ملل متحد)، احداث جزایر مصنوعی توسط امارات متحده عربی یا هر کشور دیگر در منطقه را باعث به خطر افتادن محیط زیست و تضعیف دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز موجود خواند. وی در این نامه خطاب به کوفی عنان نوشت: «بی‌شک اطلاع دارید که امارات همسایه ما در ساحل جنوبی خلیج فارس در پی احداث جزایر مصنوعی متعدد در خلیج فارس است که مساحتی بیش از ۵۰ کیلومتر مربع را می‌پوشاند که در این خصوص به دنبال مداخله شما در موضوع هستم و این نامه صرفاً تلاشی برای نشان دادن نارضایتی و نگرانی ما در خصوص کار در حال انجام توسط امارات متحده عربی است». وی منظور از ارسال این نامه را پرداختن به جنبه مالی این کار ندانسته و تصریح کرده است: «اقدام امارات پیامدهای جدی و مخرب بر ملاحظات محیط زیستی خواهد داشت».

یک سال پس از این موضوع یعنی در سال ۱۳۸۶، رئیس وقت فراکسیون محیط زیست مجلس درباره آخرین وضعیت نامه ارسال شده خود به سازمان ملل می‌گوید: نامه‌ای را که در شهریور سال گذشته با

و بستر خلیج فارس برای نزدیکتر شدن هر چه بیشتر به جزایر سه‌گانه ایرانی و سواحل ایران بر مبنای طرح‌های توسعه‌طلبانه ارضی آینده اشاره نمود. [۱۰، صص ۲۹]

بدیهی است که افزایش وسعت دریای سرزمینی، فلات قاره، منطقه اقتصادی و ... امارات در خلیج فارس می‌تواند موجب حاکمیت بیشتر این کشور بر اعماق خلیج فارس گردد، و پیامد این امر دسترسی بیشتر بر منابع نفت و گاز این منطقه، علی‌الخصوص در زمینه میادین مشترک است.

البته در خصوص تأثیر این جزایر بر تعیین مرزهای دریایی امارات باید گفت جزایر مصنوعی امکان مالکیت و توانایی به دست آوردن شرایط حقوقی جزایر طبیعی را، حتی در زمان جزر و مد ندارند. این بدان معناست که این جزایر، نواحی دریایی متعلق به خود، همانند دریای سرزمینی، منطقه نظارت و یا منطقه انحصاری اقتصادی را دارا نمی‌باشند. به دلیل اختیاراتی که کنوانسیون ۱۹۸۲ به دولت ساحلی در منطقه انحصاری اقتصادی، از جمله ساخت جزایر مصنوعی داده است، آنها نیازمند کمربندهای امنیتی به اندازه ۵۰۰ متر هستند.

تنها ماده در مورد جزایر مصنوعی، در کنفرانس ژنو سال ۱۹۵۸، ماده ۵ (۴) کنوانسیون فلات قاره است که مشروط کرده، تأسیساتی که برای بهره‌برداری و اکتشاف منابع طبیعی فلات قاره و بر روی فلات قاره هستند مشمول حالت و شرایط جزیره نمی‌شوند. آنها دریای سرزمینی خاص خود ندارند و وجودشان برای تعیین حدود دریای سرزمینی کشورهای ساحلی، تأثیری ندارد. بنابراین، جزایر مصنوعی نمی‌توانند خط ساحلی یا خط مبدایی برای اندازه‌گیری قلمروهای سرزمینی باشند. کنوانسیون حقوق دریاهای (سال ۱۹۸۲) از این نتیجه‌گیری و ماده (۵) حمایت می‌کند. ماده ۱۱ مشروط می‌دارد که تأسیسات دور از ساحل و جزایر مصنوعی، به عنوان تأسیسات بندری دائمی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. ماده ۶۰ (۸) و ۸۰ تأکید می‌کند که جزایر مصنوعی و تأسیساتی که در منطقه‌ی انحصاری اقتصادی یا فلات قاره ساخته شده‌اند، فاقد دریای سرزمینی خاص خود بوده و وجود آنها هیچ تأثیری در تعیین حدود دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ندارد. اگرچه ساخت جزایر مصنوعی بر دریاهای آزاد، مورد توجه قرار گرفته است، اما این ممنوعیت، کشورها را در قرار دادن هر بخشی از دریاهای آزاد تحت حاکمیت خودشان (ماده ۸۹ کنوانسیون ۱۹۸۲) باز می‌دارد و از تأسیس و ایجاد هرگونه مناطق دریایی پیرامون جزایر مصنوعی، حتی بر روی دریاهای آزاد جلوگیری می‌کند. به دلیل اینکه در خلیج فارس هیچ منطقه یا بخشی از دریای آزاد در بیرون از منطقه انحصاری اقتصادی نداریم، بنابراین، مورد گفته شده با خلیج فارس ارتباطی ندارد. تنها کشور ساحلی اختیار ساخت جزایر مصنوعی را دارد. این نکته‌ای است که به صراحت در ماده ۶۰ کنوانسیون ۱۹۸۲ آمده است. با وجود این، در مورد دریاهای آزاد، ماورای صلاحیت ملی، هر کشوری می‌تواند جزایر مصنوعی

در زمینه ساخت جزایر مصنوعی مطرح گردید در سال ۱۳۹۰ بوده که سخنگوی دولت در پاسخ به خبرنگاری در این زمینه گفت: اطلاعی از این که اماراتی‌ها در ساحل خود یا آبهای آزاد سرگرم ساخت جزایر مصنوعی هستند، ندارم. اگر در سرزمین‌های ملی خودشان اماکن سازی کنند، هیچ مشکلی وجود ندارد. [۷، ص ۱۷].

این نوع اظهارات مقامات رسمی ایران در صورتی که توأم با اقدامات عملی باشد، واجد ارزش حقوقی است و می‌تواند در قالب راهکارهای حقوقی، نتایج مثبتی به دنبال داشته باشد.

نتیجه‌گیری

همانطور که در این پژوهش بیان گردید بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاهای، جزایر مصنوعی فاقد مناطق دریایی بوده و بر این اساس امارات حق ندارد به دلیل ساخت جزایر مصنوعی مرزهای آبی خود را به سمت داخل خلیج فارس تغییر دهد و خواستار وسعت بیشتر در خلیج فارس و در نتیجه منابع نفت و گاز بیشتری باشد؛ اما با توجه به اینکه فضای استراتژیک مسلط بر منطقه خلیج فارس فضای ناامنی است، می‌توانیم ادعا کنیم مرزهای بین‌المللی چه در داخل دریا و چه در بین کشورهای ساحلی مرزهای ناآرامی است که می‌تواند تبدیل به بحران‌های جدی شود. به همین دلیل است که هنوز بسیاری از مرزهای دریایی در خلیج فارس بین کشورهای ترسیم و تثبیت نشده است مانند مرز بحرین - قطر، عربستان - کویت، عمان - امارات و ایران و امارات. مرز دریایی بین ایران و امارات نیز به دلیل ادعای واهی امارات در مورد جزایر ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک همچنان ترسیم نشده باقی مانده است. در چنین وضعیتی ساخت جزایر مصنوعی توسط امارات می‌تواند معادله مرزهای دریایی دو کشور را پیچیده‌تر کند. ضمن اینکه الگو برداری سایر کشورهای منطقه همچون قطر، بحرین و عربستان از امارات و ساخت جزایر مصنوعی دیگر نیز می‌تواند در تشدید اختلافات مرزی و ایجاد اختلافات مرزی جدید در منطقه تأثیر زیادی داشته باشد. با توجه به این موضوع، برخی از کارشناسان عرصه سیاست جهت تنش‌زدایی و پیشگیری از بروز بحران، احترام به خط مبدأ ساحلی بر اساس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای و ترسیم مرزهای اقتصادی جهت رفع اختلافات مرزی و تعیین خطوط مرزی اقتصادی بین کشورهای این حوزه را پیشنهاد می‌کنند.

هریک از دولت‌های ساحلی خلیج فارس، می‌توانند در محدوده آب‌های سرزمینی خود اقدام به ساخت جزایر مصنوعی کنند، اما با توجه به ماده ۱۲۳ کنوانسیون ۱۹۸۲ سازمان ملل، دولت‌های ساحلی باید در امور مختلف مربوط به بهره‌برداری از حقوق و انجام تکالیف خود با یکدیگر همکاری کنند. به همین دلیل می‌توان گفت که اقدام هر کدام از دولت‌های ساحلی برای ایجاد جزایر مصنوعی باید با اطلاع و هماهنگی سایر دولت‌های ساحلی و با توجه به تبعات مختلف آن انجام شود.

از طرفی دیگر در کنوانسیون‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۲ که خلیج فارس به

پست فوری به سازمان ملل برای اعتراض به ساخت جزایر مصنوعی در آب‌های خلیج فارس و تهدیدات زیست‌محیطی ناشی از آن نوشتیم متأسفانه چون وزارت امور خارجه کشور حاضر به مداخله در این امر نشد، این نامه یک نامه عادی تلقی شد و بی‌پاسخ ماند. وی در ادامه گفت: نامه‌ای که از طرف وزارت امور خارجه یک کشور ارسال نشود تأثیر سیاسی و حقوقی خود را نخواهد داشت و تأثیر قاطع ندارد.

مواضع نمایندگان مجلس شورای اسلامی را می‌توان در قالب اعمال حقوقی یکجانبه و به ویژه «اعتراض» در حقوق بین‌الملل تفسیر کرد. «اعتراض» و «سکوت» از جانب کشورها، در زمره اعمال حقوقی یکجانبه‌ای است که قابلیت ایجاد تعهدات حقوقی بین‌المللی را دارد. برای مثال، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه مناطق ماهیگیری اعلام داشت: «عدم اعتراض انگلستان به تعیین خط مبدأ دریای ساحلی نروژ، عاملی است که می‌تواند بعداً علیه انگلستان قابلیت استناد داشته باشد» [۲۲، ص ۱۸۹]. همانگونه که «آنزیلوتی» حقوقدان ایتالیایی بیان می‌دارد: «اعتراض، در واقع اعلان عدم شناسایی یک وضعیت، واقعه و یا یک سند است و اعتراض در صورتی معتبر خواهد بود که از سوی مقامات صلاحیت‌دار کشوری صورت گرفته باشد. معمولاً اعتراض زمانی صورت می‌گیرد که «سکوت» به معنای پذیرش وضعیت و واقعه مورد نظر تعبیر شود. اعتراض می‌تواند به اشکال مختلفی بیان شود. ارسال نامه کتبی، ارسال پیام شفاهی، اعلامیه و غیره». در قضیه «چامیزال» کمیسیون بین‌المللی مرزی بین آمریکا و مکزیک اعلام داشت که اعتراضات مکرر مکزیک در فواصل سال‌های ۱۸۴۹ تا ۱۸۹۵ در مورد منطقه «ریو گراند» به دولت ایالات متحده این اجازه را نمی‌دهد که منطقه مزبور را جزو مستملکات خود بداند. در قضیه اخیر، چنانچه دولت مکزیک طی دهه‌های متمادی، نسبت به تصرف و اشغال سرزمین خود در ریو گراند سکوت می‌کرد، کمیسیون مذکور می‌توانست سکوت آن کشور و یا به عبارتی عدم اعتراض آن را به منزله پذیرش وضعیت موجود قلمداد کند [۲۳، ص ۲۲۲].

بنابراین، اعتراضات اینچنینی می‌بایست با اتخاذ یک سیاست واحد از سوی جمهوری اسلامی ایران و با همراهی دستگاه دیپلماسی کشور صورت پذیرد تا شاهد بالاترین حد از تأثیر حقوقی چنین اعتراضاتی باشیم. اعتراض یکپارچه مسئولان سیاسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص آثار مخرب ساخت جزایر مصنوعی در خلیج فارس، در طول زمان می‌تواند به عنوان عمل حقوقی یکجانبه مؤید حقوق جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس قلمداد شود. این امر در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده است که هرگاه دولتی نسبت به وضعیت موجود یا نسبت به حقوقی اعتراض کند، چنین اعتراضی، سدی در برابر شکل‌گیری عرف است. زیرا نه عنصر مادی عرف و نه عنصر روانی عرف، نمی‌توانند به شکل قطعی وجود داشته باشند و اعتراض مانع تولد یک قاعده عرفی می‌شود. [۲۴، صص ۱۸۳-۱۸۴]. آخرین اظهار نظری که از سوی مقامات ایرانی

مصنوعی، کنوانسیون های حقوق دریاها را زیر پا گذاشته است و با طرح ادعاهای واهی، به دنبال گسترش قلمروی دریای سرزمینی ود در خلیج فارس است. این در حالی است که امارات در جزایر ایرانی ابوموسی ادعا دارد و ساخت این جزایر، بیشترین تبعات حقوقی آن در آینده در بین کشورهای حاشیه خلیج فارس، متوجه ایران خواهد بود.

به لحاظ حقوقی ایران می تواند ضمن طرح ادعای حقوقی در عرصه دیپلماتیک پیرامون ضرورت هماهنگی در مورد احداث جزایر مصنوعی با تمام کشورهای ساحلی خلیج فارس، از طریق سازمان های غیردولتی زیست محیطی، امارات را در زمینه پذیرش رسمی مسئولیت پیامدهای منفی زیست محیطی ناشی از احداث جزایر مصنوعی تحت فشار قرار دهد، و از این طریق جلوی پیشروی و ایجاد ادعاهای واهی در آینده در زمینه مناطق و منابع بیشتر زیر زمینی را بگیرد. ■

عنوان دریای نیمه بسته شناخته شده است، ایران نیز به هنگام امضای کنوانسیون ۱۹۸۲، با استناد به مواد ۶۹، ۷۰، ۷۱ این کنوانسیون در موضع گیری در رابطه با دریای نیمه بسته خلیج فارس و محفوظ بودن حق ایران، چنین استدلال نموده است که صرف واقع بودن در منطقه نیمه بسته مانند خلیج فارس، صرف نظر از طول ساحل و غیره، کشور ایران به دلیل اتکای جمعیت زیاد آن به منابع پروتئین دریایی، در شرایط نامساعد قرار داده است و کشور دیگری نمی تواند ادعای برخورداری از سهم ویژه ای را در این منطقه داشته باشد.

بنابراین با توجه به موارد فوق الذکر، امارات متحده عربی می بایست قبل از تصمیم به ساخت این جزایر، با دولت های ساحلی به ویژه ایران که دارای بیشترین جمعیت و ساحل در خلیج فارس است، هماهنگ می نمود. به هر حال امارات با اقدامات خودسرانه و تحریک آمیز در ساخت جزایر

پانویس ها

1. AIE World Energy Prospects to 2020, March 31, 1998.

منابع

- [۱۳] شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر: ارزش ها و واقعیت ها، تهران، میزان، ۱۳۹۰.
- [۱۴] کامرانی دلیر، حمید، بررسی ویژگی های محیط طبیعی منطقه ی خلیج فارس با تأکید بر مسائل ژئو - اقلیم منطقه، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۸۲، ۱۳۸۷.
- [۱۵] اسدیان، خدیجه)، جغرافیای دیرینه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- [۱۶] بنی اسدزاده، مجتبی، «تهدیدات زیست محیطی و امنیت خلیج فارس»، مطالعات خاورمیانه، شماره ۵۷، ۱۳۸۷.
- [۱۷] لینزا، بومبرتو، تحدید حدود فلات قاره در خلیج فارس و حق عبور از تنگه هرمز، ترجمه عبدالرحیم ذاکر حسین، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۲۸، ۱۳۷۱.
- [۱۸] ربیعی، حسن و جان پرور، محسن، «بازنمایی مدل تحلیلی برای حل و فصل اختلاف ها و منازعات سرزمینی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم، شماره ۴، ۱۳۸۴.
- [۱۹] دارمی، سلیمه، بررسی پروژه احداث جزایر مصنوعی امارات عربی متحده در خلیج فارس، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۵.
- [20] Bayyinah, S, The Marine Environment Impact of Artificial Islands Construction, The Nicholas School of the Earth of Duke University, 2006.
- [۲۱] میرحیدر، درّه و عسگری، سهراب، ژئوپلیتیک قلمروهای دریایی ایران در خلیج فارس با تأکید بر لزوم فلات قاره و منطقه انحصاری اقتصادی ایران و کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی، پژوهش های جغرافیایی، دوره ۳۶، شماره ۵۰، ۱۳۸۳.
- [۲۲] ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۳.
- [۲۳] موسی زاده، رضا، بایسته های حقوق بین الملل عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- [۲۴] کارو، دومینک، حقوق بین الملل در عمل، ترجمه مصطفی تقی زاده انصاری، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۲.
- [۱] رنجبریان، امیرحسین و ارغنده پور، نفیسه، «پدیده دولت های در حال غرق: چاره اندیشی هایی از نگاه حقوق بین الملل»، مجله حقوقی بین المللی، سال ۲۹، شماره ۴۶، ۱۳۹۱.
- [2] Dadandish, Parvin and Rahnvard, Hamid, The Artificial Islands in the Persian Gulf: A Political and Legal Analysis, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 3, No. 4, 2013.
- [۳] چرچیل، رابین و لو، آلن، حقوق بین الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵.
- [4] Bowett, D.W, The Legal Regime of Islands in International Law, Dobbs Ferry, New York, in Jayewardene, 1979.
- [5] Aghaei, Bahman, Artificial Islands in the Persian Gulf and the International Law of the Sea, from: [http:// www.iranian.ws/iran-news/publish/ printer- 19044.sht.25](http://www.iranian.ws/iran-news/publish/printer-19044.sht.25) November 2006.
- 6- Papadakis, N., The International Legal Regime of Artificial Islands, sijthoff international publishing company.1977.
- [۷] صفوی، سید یحیی و قنبری، علی اصغر، پیامدهای احداث جزایر مصنوعی امارات متحده عربی بر ایران در خلیج فارس، ژئوپلیتیک، سال ۷، شماره ۳، ۱۳۹۰.
- [۸] امیدی، علی، «حقوق بین الملل و ساختن جزایر مصنوعی در خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۷ و ۲۳۸، ۱۳۸۶.
- [۹] والاس، ربکا، حقوق بین الملل، ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی، شماره اول، ۱۳۸۲.
- [10] Niazi, A., "Artificial Islands in Persian Gulf in Conventions on Laws of Seas and Kuwait Convention", Global Journal of Science, Engineering and Technology, Issue 5, 2013.
- [11] Wendel, Ph., State Responsibility for Interferences with the Freedom of Navigation in Public International Law, 2007.
- [۱۲] لاکس، مانفرد، حقوق بین الملل در سپیده دم قرن ۲۱، ترجمه امیرحسین رنجبریان، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفتم، شماره ۱، ۱۳۷۲.